

بازنمایی تجارب زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم تربیتی در ارتباط با پدیده تغییر رشته (مطالعه‌ای پدیدارشناسی)

یحیی معروفی*
موسی آداک**

چکیده

در این پژوهش، تجربه زیسته دانشجویانی که تغییر رشته داده‌اند و در دوره کارشناسی ارشد به رشته علوم تربیتی (گرایش‌های مختلف) وارد شده‌اند، بررسی شده است. پژوهش در چهارچوب رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی، اجرا و از مصاحبه نیمه ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل همه دانشجویانی است که پدیده تغییر رشته را تجربه کرده و در دانشگاه بوعلی همدان در رشته علوم تربیتی تحصیل می‌کنند. نمونه پژوهش شامل ۸ نفر از دانشجویان مذکور است که بر اساس منطق نمونه‌گیری در پژوهش پدیدارشناسی به صورت هدفمند و قاعده اشباع تعیین انتخاب شد. بر اساس یافته‌ها ۱۲ مقوله جزئی از اطلاعات ارائه شده توسط مشارکت‌کنندگان استخراج شد که در تصمیم آنها برای تغییر رشته تحصیلی نقش داشته است. این زیرمقوله‌ها، در سه مقوله کلی شامل: عوامل اقتصادی، ویژگی‌های رشته قبلی و فعلی و علایق و ویژگی‌های فردی، طبقه‌بندی شد. در مجموع، نتایج نشان داد که دانشجویان از انتخاب خود و ورود به رشته علوم تربیتی نسبتاً راضی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: تغییر رشته، دانشجویان، رشته علوم تربیتی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۲۶

* دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی دانشگاه بوعلی سینا همدان
** دانشجوی دکتری رشته مطالعات برنامه درسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول):
(musa_adak65@yahoo.com)

مقدمه

انسان در طول زندگی خود همواره و به‌ناچار دست به انتخاب‌ها و تصمیم‌های مختلف می‌زند. به‌طور کلی انتخاب‌ها و تصمیم‌های انسان تحت تأثیر عوامل و مسائل متعددی مانند سن، مسائل اجتماعی، ارزش‌ها، تشویق، اجبار، تحصیلات، تجربه و... صورت می‌گیرد که هر یک از این عوامل در جای خود می‌تواند قابل ملاحظه و مهم باشد (سرمدی، ۱۳۷۵). در زمینه تحصیلی نیز یکی از مهم‌ترین انتخاب‌ها و تصمیم‌های دانشجویان در طول دوران تحصیل، انتخاب رشته تحصیلی و بعضاً تغییر مسیر تحصیلی است (پورتر و یومیچ، ۲۰۰۶). از این‌رو، تصمیم منطقی و درست در این زمینه باید با دقت و تأمل بیشتری اتخاذ شود و شناسایی عوامل دخیل و مؤثر در تصمیم‌گیری دانشجویان، امری مهم و ضروری است. زیرا در برخی از موارد توجه نکردن به این عوامل موجب تصمیم‌گیری ناآگاهانه دانشجویان و تغییر در مسیر تحصیلی او می‌شود که ثمراتی جز درک نکردن عمیق رشته، بی‌انگیزگی تحصیلی، افت تحصیلی، افسردگی، عدم پیشرفت تحصیلی، ناکامی و ناامیدی را به همراه نخواهد داشت و حتی گاهی ممکن است به ترک تحصیل بیانجامد. پدیده تغییر رشته در دوره تحصیلات تکمیلی با توجه به ماهیت آن در این دوره به بررسی و تأمل بیشتری نیاز دارد. بنابراین، ادامه ندادن رشته دوره کارشناسی و علل تمایل و ورود به رشته فعلی در تحصیلات تکمیلی توسط برخی از دانشجویان، هدف اصلی و عمده در این پژوهش است. منظور از پدیده تغییر رشته در این پژوهش، اشاره به اقدام برخی از دانشجویان است که بعد از اتمام دوره کارشناسی خود بنا به هر دلیل ممکن برای ادامه تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، رشته دیگری را که چندان و یا اصلاً با رشته دوره کارشناسی آنها مرتبط نیست، انتخاب و به آن ورود پیدا کرده‌اند. پدیده تغییر رشته یا ادامه ندادن رشته دوره کارشناسی از جمله پدیده‌های شایع در نظام‌های آموزش عالی و دانشگاه‌های جوامع مختلف برای بعضی از دانشجویان است ولی کمتر به آن توجه شده است. هر ساله تعدادی از دانشجویان علی‌رغم وقت، هزینه و تلاشی که در دوره کارشناسی برای تحصیل در یک رشته داشته‌اند اقدام به تغییر رشته یا تغییر مسیر تحصیلی خود در دوره تحصیلات تکمیلی می‌کنند. این پدیده در همه کشورهای دنیا اتفاق افتاده و امری طبیعی تلقی می‌شود (مصطفوی، رمضانلو و عسگری، ۱۳۹۱).

با توجه به پیامدهای یاد شده و نیز ماهیت آن در دوره تحصیلات تکمیلی، این پدیده نیازمند بررسی علمی است و از روش‌های مناسب برای رسیدن به درک عمیق در این

زمینه، بهره‌گیری از روش بررسی تجارب زیسته است. زیرا بررسی علمی تجارب زیسته دانشجویانی که این پدیده را تجربه کرده‌اند می‌تواند اطلاعات و دانش مفیدی را فراهم کند برای پاسخگویی به پرسش‌هایی مانند اینکه: این پدیده چرا و چگونه شکل می‌گیرد؟ علل وقوع آن چیست؟ دانشجویانی که رشته خود را تغییر می‌دهند چه اهدافی را دنبال می‌کنند و چه انگیزه‌هایی در پس این اقدام آنها نهان است؟ این اطلاعات خود می‌تواند منبع و مبنای ارزشمندی برای تبیین این پدیده، به دست آوردن درک عمیق از آن و نیز پیشگیری از تصمیم‌های ناآگاهانه و غیرمنطقی و در نتیجه پیشگیری از پیامدهای منفی این تصمیم‌ها باشد. توجه به مفهوم تجربه زیسته در حوزه تعلیم و تربیت و به‌ویژه برنامه درسی از جمله مفاهیمی است که صاحب‌نظران نومفهوم‌گرا در برنامه درسی چون پینار و گرامت^۱ به آن توجه کرده‌اند. تجربه زیسته را می‌توان چرخه تفکری دانست که در آن اندیشه فرد به گذشته خود بازگشته و دوباره به تجربه خود می‌نگرد. به تعبیر دیگر، تصور شخص در مورد زندگی خود همان تجربه زیست شده است. این مفهوم برگرفته از روان‌تحلیل‌گری است (قادری، ۱۳۹۲، ۱۳۶). پینار برای بررسی تجربه زیسته به شیوه خود شرح‌حال‌نویسی چهار مرحله را مطرح می‌کند: بازگشت^۲، پیشرفت^۳، تحلیل^۴ و ترکیب^۵. در مرحله نخست به فرد اجازه داده می‌شود از طریق تداعی آزاد به تجربه زیسته خود در گذشته رجوع کند و سعی می‌کند در زمان گذشته روی مسئله مورد پژوهش متمرکز شود و آن را به یاد آورد. در مرحله دوم، فرد به آینده نگاه می‌کند. پیشرفت فرد به سمت آنچه هست روی می‌کند و البته به سمت آینده‌ای که هنوز روی نداده است، آنچه هنوز حضور ندارد. در مرحله سوم، فرد هم زمان گذشته و هم زمان حال را بررسی می‌کند. در واقع، گذشته و آینده (خاطرات و رویاها) با هم به گفتگو می‌نشینند؛ فاصله گرفتن از گذشته و تبعات آینده برای ایجاد یک فضای ذهنی آزاد در زمان حال. در مرحله آخر، فرد دوباره وارد زمان حال زیست شده می‌شود. شخص با درک مداومت زمان به حسی از معنا در زمان حال می‌رسد (قادری، ۱۳۹۲). از آنجا که بررسی پدیده مورد نظر در این پژوهش نیازمند رجوع فرد به گذشته خود، درک آن در

1. Pinar & Grumet

2. Regressive

3. Progressive

4. Analytical

5. Synthetical

زمان حال و تصور آن در آینده است، از شیوه بررسی تجربه زیسته بهره گرفته شده است. بنابر این، دیدگاه چهار مرحله‌ای پایدار مبنای کار قرار گرفته است. از جمله رشته‌هایی که هر ساله پذیرای تعدادی از دانشجویان با رشته‌های غیر مرتبط است، مجموعه رشته‌های علوم تربیتی است. بنابر این در پژوهش حاضر، تمرکز بر رشته علوم تربیتی و گرایش‌های مختلف آن و کشف و شناخت علل و انگیزه‌های اصلی و عمده دانشجویانی است که رشته خود را تغییر داده و از رشته‌های مختلف به رشته علوم تربیتی وارد شده‌اند. همچنین نحوه کسب دانش و اطلاعات درباره رشته علوم تربیتی توسط دانشجویان برای تصمیم آنها در ورود به این رشته و نیز میزان رضایت آنها از انتخاب خود و وضعیت رشته علوم تربیتی بررسی شده است. با توجه به آنچه بیان شد پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

در میان دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی که پدیده تغییر رشته را تجربه کرده‌اند:

- ۱- علل رها کردن رشته تحصیلی قبلی خود و ورود یا گرایش به رشته فعلی‌شان چه بوده است؟
- ۲- آنها اطلاعات لازم برای تصمیم به ورود به رشته علوم تربیتی را از چه منابعی کسب کرده‌اند؟
- ۳- آنها از وضعیت رشته تحصیلی فعلی خود چه ارزیابی دارند؟

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، نتایج پژوهش‌های انجام گرفته پیشین در ایران و در خارج از کشور، نشان‌دهنده آن است که پدیده تغییر رشته به‌ویژه بر اساس تعریفی که در پژوهش فعلی مورد نظر است؛ یعنی ادامه ندادن رشته کارشناسی در دوره کارشناسی ارشد، غالباً از دید و نظر سایر پژوهشگران دور مانده و به‌ندرت به مطالعه آن توجه شده است. طبق بررسی‌های به عمل آمده تنها پژوهش مرتبط با موضوع پژوهش حاضر که می‌توان اهداف آن را همسو با اهداف این پژوهش دانست، پژوهش احمدوند (۱۳۹۲) با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییر رشته به گرایش‌های رشته علوم اجتماعی در مقطع کارشناسی ارشد» است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییر رشته به گرایش‌های رشته علوم اجتماعی در مقطع کارشناسی ارشد عبارت‌اند از: ۱- علاقه‌مندی به شناخت موضوعات و مسائل جامعه؛

۲- جذابیت گرایش‌های رشته علوم اجتماعی؛ ۳- انتظارات و ارزیابی‌های فرد (خود اثربخشی)؛ ۴- زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی. در بقیه موارد بیشتر مقوله انتخاب و تغییر رشته تحصیلی در دوره کارشناسی یا در طول دوران تحصیلات مدرسه‌ای بررسی شده است. برای نمونه پژوهش‌های ربانی و ربیعی (۱۳۹۰)، عباس‌زاده، برهانی و محسن‌پور (۱۳۹۰)، براهیم^۱ (۲۰۰۸)، پورتر و یومبچ^۲ (۲۰۰۶)، هوو و برنابی^۳ (۲۰۱۰)، عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی را مواردی همچون: خانواده، آینده شغلی رشته، توانایی‌ها و علایق شخصی، اهداف زندگی، عوامل اجتماعی و اقتصادی، علاقه، قبول نشدن در رشته دیگر، ورود به دانشگاه، اعتقاد به بالا بودن موقعیت و اعتبار اجتماعی رشته، اشتباه در انتخاب رشته، مرتبط بودن رشته با شغل کنونی، بورسیه شدن، تشویق مشاور مدرسه و فرصتی برای کسب درآمد برشمرده‌اند. عابدیان و شاه‌حسینی (۱۳۹۱) به مواردی چون فرصتی برای کسب مدارک عالی تحصیلی، کسب موقعیت شغلی، اعتبار رشته در میان رشته‌های دانشگاهی، تشویق والدین، علاقه‌مندی به تحصیل در محل زندگی والدین، محتوای علمی رشته، جایگاه مناسب رشته در جامعه، فرصتی برای کسب درآمد و تشویق رسانه‌های عمومی را از عوامل مؤثر بر انگیزه دانشجویان از انتخاب رشته تحصیلی خود اشاره کرده‌اند. کشیشین، بروکاوچ، بوون و پال^۴ (۲۰۱۰) و ادیا و اجیدو^۵ (۲۰۱۳) در بررسی عوامل انگیزشی مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان، عواملی مانند انتظارات شغلی، تجارب زندگی، علاقه‌مندی به رشته، تجارب شغلی و شهرت و اعتبار رشته را به‌عنوان عوامل مؤثر بیان کرده‌اند. آنیلی و پری^۶ (۲۰۱۳) نقش جنسیت در انتخاب رشته تحصیلی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که جنسیت در انتخاب رشته تحصیلی افراد نقش دارد. مالگویا، هوی‌یا و بورنابیا^۷ (۲۰۰۵) عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان را مطالعه و بررسی کردند. نتایج بررسی آنها نشان داد که اصلی‌ترین عامل انتخاب رشته بدون در نظر گرفتن جنسیت، علاقه شخصی فرد

1. Brahim

2. Porter & Umbach

3. Howe & Burnaby

4. Keshishian, Brocavich, Boone & Pal

5. Odia & Ogiedu

6. Anelli & Peri

7. Malgwia, Howe & Burnabya

به رشته بوده است. برای خانم‌ها عامل مهم دیگر استعداد و توانایی در رشته تحصیلی بوده است. برای آقایان هم امتیاز و فرصت شغلی رشته به‌طور معنی‌داری بر انتخاب آنها مؤثر بوده است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان به دلیل نقاط مثبت رشته جدید و نقاط منفی رشته قبلی به تغییر رشته اقدام کرده‌اند. دیویی^۱ (به نقل از عبدی، ۱۳۸۶) عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی را شامل مواردی همچون فارغ التحصیلان رشته مورد نظر، دانشجویان مشغول به تحصیل در آن رشته، شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت در خصوص رشته‌های دانشگاهی و مشاوره با مشاوران دانشکده می‌داند. مشهدی تفرشی (۱۳۷۲) در پژوهش خود نشان داد که رتبه آزمون داوطلب، تشویق والدین، امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، توصیه دوستان و آشنایان و علاقه به کتاب در انتخاب رشته تحصیلی فرد مؤثر بوده‌اند. بیگدلی، کرامتی و بازرگان (۱۳۹۱) رابطه رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین رشته تحصیلی، اشتغال و تناسب شغلی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. عنبری و همکاران (۱۳۹۲) رابطه رضایت از رشته تحصیلی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک را بررسی کردند و نتایج پژوهش آنها بیانگر آن بود که بین رضایت از رشته تحصیلی با سلامت عمومی دانشجویان ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. حسین‌پور، حسن‌زاده و مداح (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی» به این نتیجه دست یافت که بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، رابطه وجود دارد.

همه این پژوهش‌ها به بحث انتخاب رشته توجه کرده‌اند و اگرچه می‌توان به‌نوعی زمینه مشترکی را بین موضوع مورد نظر آنها با موضوع مورد بررسی در این پژوهش مشاهده کرد اما اهداف و نتایج آنها تا حدی متفاوت با موضوع پژوهش حاضر است. با این حال، دلیل مهم معرفی این پژوهش‌ها در پیشینه پژوهش حاضر این است که بسیاری از معیارهای انتخاب رشته در این پژوهش‌ها برای پدیده تغییر رشته نیز صادق است؛ به تعبیر دیگر، تغییر رشته را می‌توان انتخاب رشته دوباره دانست.

^۱. Dewey

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش تحقیق پدیدارشناسی توصیفی اجرا شده است. زیرا با توجه به هدف پژوهش، محققان درصدد توصیف پدیده مورد بررسی آن‌طوری که در تجربه افراد ظاهر شده و بدون توجه به مبنای تاریخی و نیز بدون دخالت ذهنیات پژوهشگران بوده‌اند. به عبارت دیگر، آنها درصدد توصیف پدیده و نه تفسیر آن بوده‌اند. جامعه پژوهش شامل آن دسته از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه بوعلی سینا همدان است که پدیده تغییر رشته را تجربه کرده‌اند. یعنی دانشجویانی که بنا به دلایل مختلف، رشته‌های دوره کارشناسی خود را رها کرده و برای ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد به رشته علوم تربیتی و گرایش‌های آن روی آورده‌اند. نمونه‌گیری نیز با توجه به منطق نمونه‌گیری در پژوهش پدیدارشناسی به صورت هدفمند (صفایی موحد، عطاران، مهرمحمدی و تاجیک اسمعیلی، ۱۳۹۰) انجام گرفته است. برای این منظور از میان انواع روش‌های نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده شد. برای تعیین کفایت نمونه از قاعده اشباع نظری استفاده شد؛ یعنی زمانی که تمام منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند به اشباع رسیده‌ایم. در این مرحله، ورود افراد جدید اطلاعات تازه‌ای به اطلاعات افراد قبلی اضافه نخواهند کرد. برای کشف رسیدن به اشباع تکرار داده‌های قبلی مورد توجه قرار می‌گیرد به طوری که پژوهشگر مرتباً با داده‌هایی مواجه بشود که تکرار می‌شوند. در این پژوهش، گردآوری داده‌ها در مشارکت‌کننده نهم به اشباع رسید. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته بهره گرفته شد. بدین صورت که ابتدا با مشورت و هماهنگی با مشارکت‌کنندگان و تعیین وقت قبلی با آنها، زمان و مکان مصاحبه، مشخص و در فضایی آرام و به‌طور فردی انجام گرفت. پیش از شروع مصاحبه به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات ارائه شده از سوی آنها محفوظ است و بنا بر اخلاق پژوهش، هویت آنها در تحقیق فاش نخواهد شد. نیز اجباری به همکاری با مصاحبه‌کننده وجود ندارد و در جریان مصاحبه هر وقت تمایل داشتند، مختارند از همکاری خود منصرف شوند. برای شروع مصاحبه اصلی با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان، پرسش‌های پژوهش در اختیار آنها قرار گرفت. پژوهشگر، اطلاعات ارائه شده از سوی مشارکت‌کنندگان را به وسیله دستگاه ضبط صدا، ضبط کرد. در همین راستا برای جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی در فرایند آوانویسی (برگرداندن صدا به

نوشته) نکات مبهم نیز یادداشت می‌شد و از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد تا در صورت امکان توضیحات بیشتر و شفاف‌تری را ارائه دهند. در فرایند مصاحبه با توجه به ماهیت آن، تلاش شد مشارکت‌کنندگان بیشتر خود هدایت بحث را بر عهده داشته باشند و پژوهشگر از جهت دادن به گفته‌های مشارکت‌کنندگان و جهت‌گیری خاص نسبت به آنها پرهیز کند. پس از گردآوری کامل اطلاعات، در مرحله پیاده‌سازی، اطلاعات ضبط شده روی کاغذ ثبت شد. سپس با انجام گام «افقی سازی»^۱ یعنی خواندن تمام و کمال داده‌های حاصل از مصاحبه و استخراج جملات و طبقات ساده اولیه، مقوله‌ها و مفاهیم کلی و اصلی تعیین شد. سپس پژوهشگر به توسعه دسته‌ها و خوشه‌هایی از معانی از درون گزاره‌های مهم و بامعنی به شکل تم اقدام کرد (توصیف متنی که طبقه‌بندی داده‌ها و زیرطبقات آنها است). در تحلیل یافته‌های پژوهش از روش چهار مرحله‌ای پاینار که در مطالب پیشین ذکر شد، استفاده به عمل آمد. پژوهشگران برای تعیین اعتبار داده‌ها نیز مقوله‌های نهایی تشکیل شده را دوباره بازبینی و اصلاح کردند و در نهایت در اختیار اطلاع‌رسان‌ها قرار دادند و صحت این مقوله‌ها از سوی آنها تأیید شد.

جدول (۱) ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد مشارکت‌کننده	جنسیت	رشته تحصیلی قبلی	رشته تحصیلی فعلی
ب.م	مرد	زبان انگلیسی	برنامه‌ریزی درسی
ع.الف	مرد	هنر	تکنولوژی آموزشی
ف.ش	زن	علوم تجربی (دبیری)	برنامه‌ریزی درسی
ز.ت	زن	فلسفه اسلامی	فلسفه آموزش و پرورش
م.س	مرد	الهیات	فلسفه آموزش و پرورش
ف.الف	مرد	جغرافیا	برنامه‌ریزی درسی
س.ق	زن	فقه و حقوق	مدیریت آموزشی
ص.م	زن	تاریخ	مدیریت آموزشی

یافته‌ها

پرسش اول: از دیدگاه دانشجویان، علل رها کردن رشته تحصیلی قبلی و ورود یا گرایش به رشته فعلی‌شان (رشته علوم تربیتی) چه بوده است؟

^۱. Horizontalization

با توجه به روش چهار مرحله‌ای پاینار، دانشجویان برای پاسخگویی این پرسش پژوهش می‌بایست به گذشته خود رجوع می‌کردند. به عبارت دیگر، آنها در مرحله اول یعنی مرحله بازگشت (پس‌رونده) قرار داشتند. بنابراین به آنها اجازه داده شد تا از طریق تداعی آزاد به تجربه زیسته خود در گذشته رجوع کنند و سعی کنند در زمان گذشته بر مسئله مورد بررسی، متمرکز شوند و آن را به یاد آورند.

نتایج حاصل از داده‌های گردآوری شده برای پرسش اول پژوهش بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته با اطلاع‌رسان‌ها، در ۱۲ مقوله شامل: علاقه نداشتن به رشته قبلی، علاقه به فعالیت‌های اجتماعی، علاقه به مباحث مدیریتی و تربیتی، ضعف بنیه علمی در رشته قبلی، علاقه‌مندی به رشته فعلی، گرفتن مدرک بالاتر، ضعف بازار کار برای رشته قبلی، مخارج زیاد ادامه تحصیل در رشته قبلی، مرتبط بودن رشته فعلی با شغل از جمله شغل معلمی، ویژگی‌های ماهیتی رشته (خشک و سخت بودن رشته قبلی، جذابیت رشته فعلی)، ویژگی‌های اجتماعی رشته (نداشتن جایگاه مناسب رشته قبلی در جامعه، جایگاه مناسب رشته فعلی در جامعه)، ویژگی‌های تحصیلی رشته (رقابت سخت در رشته قبلی، آسانی تحصیل در رشته فعلی، دسترسی آسان به منابع رشته فعلی، مرتبط بودن رشته فعلی با رشته قبلی) قابل ذکر است. به‌طور کلی می‌توان این مقوله‌ها را در سه مقوله اصلی یعنی «عوامل اقتصادی»، «ویژگی‌های فردی» و «ویژگی‌های رشته‌های قبلی و فعلی» ارائه کرد. هر یک از زیرمقوله‌ها به‌صورت کاملاً عینی از اطلاعات ارائه شده از سوی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه استخراج شده است. از آنجا که برخی از مشارکت‌کنندگان در گفته‌های خود به عوامل اقتصادی از جمله: بازار کار، هزینه، مخارج و شغل اشاره کرده بودند، محققان این عوامل را در زیرمجموعه مقوله کلی تری با عنوان «عوامل اقتصادی» قرار دادند. همچنین گروهی از مشارکت‌کنندگان در بیان علل تغییر مسیر تحصیلی خود به مواردی همانند: علایق و نگرش خود، سطح و بنیه علمی خود اشاره کرده بودند. از آنجا که این موارد بیشتر در حیطه ویژگی‌های شخصی قرار می‌گیرد، پژوهشگران ترجیح دادند آنها را در مقوله کلی تری با عنوان «ویژگی‌های فردی» ارائه کنند. در نهایت، برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، علل تغییر رشته تحصیلی خود را مواردی ذکر کرده بودند که بیشتر می‌توان آنها را در زمره ویژگی‌های رشته‌های تحصیلی (قبلی و فعلی) قرار داد. مواردی مانند جذابیت داشتن یا نداشتن رشته، جایگاه رشته در جامعه و شرایط تحصیل در رشته از جمله این

موارد هستند. به همین دلیل، این دسته از علل زیر مقوله کلی تری با عنوان «ویژگی‌های رشته‌های قبلی و فعلی» قرار گرفت. لازم به ذکر است که این مقوله کلی خود شامل سه زیرمقوله کلی دیگر است که عبارتند از: ۱. ویژگی‌های ماهیتی رشته؛ ۲. ویژگی‌های اجتماعی رشته و ۳. ویژگی‌های تحصیلی رشته. ویژگی‌های ماهیتی با ماهیت و چگونگی رشته، ویژگی‌های اجتماعی با جایگاه رشته‌ها در جامعه و ویژگی‌های تحصیلی رشته با شرایط تحصیل در رشته‌ها مرتبط است. در جدول (۲) نوع روایت‌ها و مفاهیم مرتبط با استخراج مقوله‌ها ارائه شده است.

جدول (۲) استخراج مقوله‌های کلی و زیرمقوله‌ها از روایت‌ها

مقوله کلی	زیر مقوله‌ها	روایت‌ها
عوامل اقتصادی	ضعف بازار کار برای رشته قبلی	- «... رشته قبلی من اصلاً بازار کار خوبی نداشت...» (کد: س.ق). - «... یکی از مهم‌ترین دلایل من برای تغییر رشته، توجه به مسئله بازار کار بود...» (کد: ص.م)
	مخارج زیاد ادامه تحصیل در رشته قبلی (برای برخی از رشته‌ها)	- «خرج و مخارج قبلی بسیار بالاست...» (کد: ع.الف). - «تحصیل در رشته قبلی من نیاز به صرف هزینه نسبتاً زیادی داشت...» (کد: ع.الف).
	مرتبط بودن رشته فعلی با شغل از جمله شغل معلمی	- «من معلم هستم و رشته علوم تربیتی با شغل من کاملاً مرتبط است...» (کد: ب.م) - «شاغل در اداره آموزش و پرورش هستم بنابراین ترجیح دادم رشته علوم تربیتی را ادامه بدم...» (کد: ص.م).
ویژگی‌های فردی	علاقه نداشتن به رشته قبلی	- «عدم علاقه به رشته قبلی... یکی از اساسی‌ترین دلایل تغییر رشته این‌جانب بوده است.» (کد: س.ق). - «من به رشته قبلی علاقه نداشتم و تنها به دلیل اشتباه در انتخاب رشته وارد آن شده بودم.» (کد: س.ق).
	علاقه به فعالیت‌های اجتماعی	- «من به فعالیت‌های اجتماعی علاقه زیادی دارم و رشته علوم تربیتی را برای کسب اطلاعات در این زمینه مناسب دیدم...» (کد: س.ق). - «فکر می‌کنم علاقه من به فعالیت‌های اجتماعی در تصمیم من برای ورود به رشته علوم تربیتی بی‌تأثیر نبود...» (کد: ف.الف).
	علاقه به مباحث مدیریتی و تربیتی	- «... علاقه این‌جانب به مباحث مدیریتی و تربیتی یکی از اساسی‌ترین دلایل تغییر رشته این‌جانب بوده است.» (کد: س.ق). - «به دلیل تجربه کاریم به کسب اطلاعات در زمینه‌های مدیریتی و تربیتی علاقه‌مند شدم...» (کد: ص.م).
	ضعف بنیه علمی در رشته قبلی	- «دلیل دیگر تغییر رشته بنده ضعیف بودن بنیه علمی خودم در رشته قبلی بود...» (کد: م.س).

مقوله کلی	زیر مقوله‌ها	روایت‌ها
		-...چون به رشته قبلی علاقه نداشتم از لحاظ علمی قوی نبودم...» (کد:س.ق).
	علاقه‌مندی به رشته فعلی	-«یکی از دلایل مهم من برای ورود به رشته علوم تربیتی، علاقه‌مندیم به این رشته بود.» (کد: ف.ش). -«...رشته فلسفه تعلیم و تربیت رو دوست دارم...» (کد: ز.ت).
	گرفتن مدرک بالاتر	-«... بیشتر به خاطر گرفتن مدرک بالاتر وارد رشته برنامه‌ریزی درسی شدم.» (کد: ب.م). -«... از جمله دلایل دیگر من برای تغییر رشته گرفتن مدرک بالاتر بود.» (کد: ف.الف).
ویژگی‌های ماهیتی رشته	۱- ویژگی‌های ماهیتی رشته	خشک و سخت بودن رشته قبلی
		جذابیت رشته فعلی
	۲- ویژگی‌های اجتماعی رشته	نداشتن جایگاه مناسب رشته قبلی در جامعه
		جایگاه مناسب رشته فعلی در جامعه
	۳- ویژگی‌های تحصیلی رشته	رقابت سخت در رشته قبلی
		آسانی تحصیل در رشته فعلی
		دسترسی آسان به منابع رشته فعلی
		مرتبط بودن رشته فعلی با رشته قبلی (برای برخی از رشته‌ها)
		مرتبط بودن رشته قبلی با روحیه من نمیخوند، رشته خشکی بود...» (کد: ع.الف).
		«از جمله دلایل مهم رها کردن رشته قبلی می‌توانم به سخت بودن... [آن] اشاره کنم.» (کد: ف.ش).
«...رشته فلسفه تعلیم و تربیت رشته جذابی...» (کد: م.س).		
«...رشته علوم تربیتی نسبت به رشته قبلی من برام جذابتی...» (کد: ف.الف).		
«...رشته قبلی من جایگاه خوبی در جامعه نداشتم...» (کد: ع.الف).		
«...از لحاظ اجتماعی دید خوبی نسبت به رشته قبلیم احساس نمی‌کردم...» (کد: ص.م).		
«... رشته فعلیم وجه اجتماعی بهتری داره...» (کد: ع.الف).		
«... رشته فعلیم از جایگاه اجتماعی مناسب‌تری برخورداره...» (کد: م.س).		
«از جمله دلایل مهم رها کردن رشته قبلی می‌توانم به... قوی بودن رقبا برای شرکت در آزمون کارشناسی ارشد آن رشته... اشاره کنم.» (کد: ع.الف).		
«...ادامه تحصیل در رشته قبلی نیاز به تلاش زیادی داشت، باید سخت رقابت می‌کردی...» (کد: م.س).		
«...تحصیل در رشته علوم تربیتی برای من نسبت به رشته قبلی خیلی آسانتره...» (کد: ف.ش).		
«... رشته فعلیم هم آسانتره و...» (کد: ف.الف).		
«از جمله دلایل مهم رها کردن رشته قبلی می‌توانم به آسان بودن [دسترسی آسان به] منابع علوم تربیتی اشاره کنم.» (کد: ع.الف).		
«...منابع رشته به آسانی قابل دسترس است...» (کد: م.س).		
«از آنجا که رشته فعلیم با رشته قبلی مرتبط بود، این رشته را انتخاب کردم...» (کد: ز.ت).		
«... به نحوی رشته قبلی من با رشته فعلیم همپوشانی داشت...» (کد: م.س).		

با امعان نظر به جدول (۲) مقوله‌های اصلی و زیرمجموعه‌های هر یک از آنها به‌طور دقیق‌تر در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱) علل تغییر رشته تحصیلی دانشجویان و ورود آنها به گرایش‌های رشته علوم تربیتی

۱- **عوامل اقتصادی:** عوامل اقتصادی از مهم‌ترین و در برخی موارد اصلی‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری افراد برای انتخاب یک رشته تحصیلی و ادامه تحصیل در آن رشته است؛ چراکه به‌واقع از دغدغه‌های مهم افراد جامعه، توجه آنها به مسائل اقتصادی و تلاش و برنامه‌ریزی برای آینده مطلوب از لحاظ اقتصادی است. همان‌طور که در شکل (۱) دیده می‌شود یکی از ابعاد مهم مؤثر بر تغییر رشته تحصیلی دانشجویان، بعد

اقتصادی بوده است. آنها چند علل عمده شامل: نبود بازار کار برای رشته قبلی، مخارج زیاد ادامه تحصیل در رشته قبلی، مرتبط بودن رشته فعلی با شغل از جمله شغل معلمی را ذکر کرده‌اند که ناظر بر همان دغدغه اجتماعی یا اقتصادی است. همچنان که یکی از دانشجویانی که در دوره تحصیلات تکمیلی رشته خود را به مدیریت آموزشی تغییر داده است می‌گوید:

«رشته قبلی من اصلاً بازار کار خوبی نداشت ولی رشته‌های علوم تربیتی و گرایش‌های متفاوت آن نسبت به رشته قبلی من دارای بازار کار بهتری است و این مورد یکی از اصلی‌ترین دلایل گرایش بنده به رشته مدیریت آموزشی بوده است» (کل: س.ق).

یکی دیگر از دانشجویان که در رشته تحصیلی تکنولوژی آموزشی مشغول به تحصیل بود، در زمینه مخارج رشته قبلی فعلی می‌گوید:

«خرج و مخارج رشته قبلی بسیار بالاست هزینه‌هایی که برای تهیه وسایل مورد نیاز و همچنین انجام پروژه‌های فردی لازم بود، بسیار سنگین بود... ولی تحصیل در رشته فعلی هزینه‌ای ندارد» (کل: ع.الف).

در زمینه ارتباط رشته تحصیلی فعلی با شغل نیز یکی از دانشجویان رشته مدیریت آموزشی این‌گونه بیان می‌کند:

«من در حال حاضر در اداره آموزش و پرورش مشغول به کار هستم تجربه معلمی هم دارم، بنابراین به نظرم رشته علوم تربیتی و گرایش‌های مختلف آن بیش از هر رشته دیگری برای فعالیت در زمینه آموزش و پرورش مناسب است...» (کل: ص.م).

۲- ویژگی‌های فردی: بعد دیگری از دلایل تغییر رشته تحصیلی دانشجویان و ورود آنها به گرایش‌های رشته علوم تربیتی، مربوط به برخی ویژگی‌های فردی آنها همانند علایق، توانایی‌ها و ترجیحات است. اغلب اطلاع‌رسان‌ها علاقه نداشتن به رشته قبلی خود را از جمله دلایل تغییر رشته تحصیلی ذکر کرده بودند ولی با این وجود تنها عده محدودی از آنها علاقه‌مندی به رشته‌های تربیتی را به‌عنوان دلیلی اصلی نام برده بودند. حتی برخی از آنها ورود خود به رشته علوم تربیتی را صرفاً به دلیل گرفتن مدرک بالاتر اعلام کرده بودند. یکی از اطلاع‌رسان‌های مرد رشته برنامه‌ریزی درسی اذعان می‌دارد:

«با اینکه بنده سابقه کار زیادی در آموزش و پرورش دارم و این رشته هم به کارم مربوط می‌شود ولی بیشتر به خاطر گرفتن مدرک بالاتر وارد رشته برنامه‌ریزی درسی شدم» (کل: ب.م).

یکی دیگر از اطلاع‌رسان‌ها که دانشجوی رشته فلسفه تعلیم و تربیت بود از جمله دلایل رها کردن رشته قبلی خود را ضعف بنیه علمی خود در آن رشته اعلام کرده و می‌گوید: «... دلیل دیگر تغییر رشته بنده ضعیف بودن بنیه علمی خودم در رشته قبلی بود که آن هم به خاطر ضعیف بودن و کم‌کاری استادان آن رشته در دانشگاه قبلی بود» (کل: م.س).

در ارتباط با علاقه به رشته نیز دانشجوی رشته مدیریت آموزشی با تأکید اذعان می‌دارد: «عدم علاقه به رشته قبلی و نیز علاقه این‌جانب به مباحث مدیریتی و تربیتی یکی از اساسی‌ترین دلایل تغییر رشته این‌جانب بوده است...» (کل: س.ق).

۳- ویژگی‌های رشته‌های قبلی و فعلی (ویژگی‌های ماهیتی، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های تحصیلی): ویژگی‌های دو رشته یعنی رشته قبلی دانشجوی در دوره کارشناسی و نیز رشته فعلی یعنی یکی از گرایش‌های علوم تربیتی که او در حال حاضر مشغول به تحصیل در آن رشته است، از دیگر مؤلفه‌های مهم اثرگذار بر تصمیم‌گیری دانشجوی برای تغییر رشته خود بوده است. بر اساس اطلاعات مندرج در شکل (۱) مشخص است که دانشجویان عوامل مختلفی را برای تصمیم‌گیری خود در تغییر رشته بیان کرده‌اند. این ویژگی‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ویژگی‌های ماهیتی رشته مانند غیر جذاب و سخت بودن رشته قبلی، جذابیت رشته فعلی؛ ویژگی‌های اجتماعی رشته مانند نداشتن جایگاه مناسب رشته قبلی در جامعه، جایگاه مناسب رشته فعلی در جامعه و ویژگی‌های تحصیلی رشته مانند رقابت شدید در رشته قبلی، دسترسی آسان به منابع رشته فعلی، آسانی تحصیل در رشته فعلی، سهولت در پذیرش، مرتبط بودن رشته فعلی با رشته قبلی. یکی از دانشجویان رشته فلسفه تعلیم و تربیت در زمینه ویژگی‌های رشته‌های قبلی و فعلی خود می‌گوید:

«از جمله دلایل مهم رها کردن رشته قبلی می‌توانم به سخت و غیر قابل دسترس بودن منابع و قوی بودن رقبا برای شرکت در آزمون کارشناسی ارشد آن رشته و نیز کم‌حجم و آسان بودن [دسترسی به] منابع علوم تربیتی اشاره کنم» (کل: م.س).

پرسش دوم: دانشجویان اطلاعات لازم جهت تصمیم‌گیری خود برای ورود به رشته علوم تربیتی را از چه منابعی کسب کرده‌اند؟

هدف این پرسش آن است که مشخص کند آیا تصمیمی که دانشجویان برای ورود به رشته‌های تربیتی گرفته‌اند، آگاهانه و مبتنی بر شواهد بوده است یا خیر؟ در واقع در این مرحله مشارکت‌کنندگان در مرحله دوم یعنی مرحله پیشرفت (پیش‌رونده) قرار داشتند. به عبارت دیگر، آنها برای به دست آوردن اطلاعات در مورد رشته مورد نظر خود در آینده اقدام و تلاش کرده‌اند. دیدگاه آنها ناظر به آینده بوده و درصدد به دست آوردن تصویری از رشته آینده خود بوده‌اند.

بر اساس اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها در پاسخ به این پرسش پژوهش، مشخص شد که تنها برخی از دانشجویان به منابع مختلف برای گردآوری اطلاعات در ارتباط با رشته فعلی خود مراجعه کرده‌اند و تصمیم مبتنی بر دانش و اطلاعات گرفته‌اند. در مقابل، بعضی از آنها تنها به یک یا دو منبع محدود اکتفا کرده‌اند و آنچه بیشتر مورد نظر آنها بوده، گریز از رشته قبلی بوده است. فهرست منابع کسب اطلاعات که دانشجویان ذکر کرده‌اند در جدول (۳) درج شده است.

جدول (۳) فهرست منابع کسب اطلاعات دانشجویان برای تصمیم‌گیری

فهرست منابع کسب اطلاعات
۱- گروه دوستان در رشته‌های علوم تربیتی
۲- مراجعه به دانشگاه‌های مختلف
۳- اطرافیان که در رشته علوم تربیتی تحصیل کرده بودند
۴- معلمان که در رشته علوم تربیتی تحصیل کرده بودند
۵- مطالعه کتاب‌ها، مجله‌ها و ...
۶- مراجعه به اینترنت
۷- دفترچه انتخاب رشته
۸- مراجعه به مؤسسات آموزشی و کمک‌آموزشی
۹- معلم بودن فرد
۱۰- استادان رشته علوم تربیتی
۱۱- درس‌های مرتبط در دوره کارشناسی

مراجعه عده‌ای از اطلاع‌رسان‌ها به منابع مختلف برای کسب اطلاعات، نشان‌دهنده علاقه وافر آنها به رشته و بیانگر تصمیم آگاهانه آنها برای ورود به رشته علوم تربیتی بوده

است. به‌عنوان مثال، دانشجوی رشته برنامه‌ریزی درسی نحوه کسب اطلاعات خود را این‌گونه شرح می‌دهد:

«بنده برای کسب اطلاعات به کتاب‌های مربوط به تعلیم و تربیت مراجعه کردم و کتاب‌های مختلفی را مطالعه کردم، به اینترنت مراجعه کردم و درباره گرایش‌های مختلف رشته علوم تربیتی به جمع‌آوری اطلاعات پرداختم، از دوستانی که در رشته علوم تربیتی مشغول به تحصیل بودند اطلاعات گرفتم، برای کسب اطلاعات بیشتر به مؤسسات آموزشی و کمک‌آموزشی مراجعه کردم و با آنها مشورت کردم و ...» (کل: ف.الف).

از سوی دیگر، چند نفر از اطلاع‌رسان‌ها که در پاسخ به پرسش‌های قبلی، هدف اصلی و عمده خود را از ورود به رشته علوم تربیتی گرفتن مدرک بالاتر اعلام کرده بودند، به منابع بسیار اندکی اکتفا کرده بودند. به‌عنوان نمونه یکی دیگر از دانشجویان رشته برنامه‌ریزی درسی در پاسخ به پرسش پژوهش می‌گوید:

«بنده اطلاعاتم را از طریق یکی از دوستانم که در رشته تکنولوژی [آموزشی] در دانشگاه آزاد مدرک گرفته بود، کسب کردم» (کل: ب.م).

پرسش سوم: شرکت‌کنندگان از وضعیت رشته تحصیلی فعلی خود چه ارزیابی دارند؟

در این مرحله، مشارکت‌کنندگان در پژوهش بیشتر در مرحله سوم و چهارم الگوی پاینار یعنی مرحله تحلیل و مرحله ترکیب قرار دارند. به عبارت دیگر، آنها برای پاسخگویی به این پرسش هم وضعیت گذشته را بررسی می‌کنند و هم وضعیت حال را. در واقع افراد در مرحله تحلیل، تجارب گذشته و آرمان‌های آینده را برای گزینش بهتر در زمان حال با هم بررسی می‌کنند. درنهایت، در مرحله ترکیب مشارکت‌کنندگان با ترکیب سه مرحله قبلی یعنی دیدن گذشته، آینده و حال به درکی معنادار از زمان حال می‌رسند. بر همین اساس در پاسخگویی به این پرسش پژوهش می‌توان اطلاع‌رسان‌ها را به چند دسته تقسیم کرد: عده‌ای که از انتخاب خود راضی نبودند و گروهی که از انتخاب خود نسبتاً راضی بودند. به‌عنوان نماینده گروهی که از انتخاب خود راضی نبودند و وضعیت رشته فعلی خود را مناسب ارزیابی نکرده‌اند، می‌توان به گفته‌های یکی از دانشجویان رشته تکنولوژی آموزشی اشاره کرد که می‌گوید:

«رشته تکنولوژی آموزشی [مطابق انتظارات بنده نبوده و از انتخاب خود راضی نیستم. در این رشته در من نوعی دوگانگی به وجود آمده است؟ دلیل چیست؟

این رشته کاملاً حفظیات است و حفظیات دیر یا زود از ذهن انسان پاک خواهد شد. و از طرفی در مقطع کارشناسی ارشد مروری بود بر کتاب‌های کنکور ارشد و کتاب‌های مقطع کارشناسی و چیز جدیدی نداشت» (کد: ع.الف).

در ارتباط با گروه دوم که اعلام کرده‌اند نسبتاً از انتخاب خود راضی بوده‌اند و بیشترین افراد را تشکیل می‌دهند، برای نمونه می‌توان به گفته‌های دانشجوی رشته برنامه‌ریزی درسی اشاره کرد که اذعان می‌دارد:

«دروس ارائه شده در این رشته تا حدودی بر اساس انتظارات بنده بوده است. هرچند گاهی در بعضی از دروس علی‌رغم عنوان خوب و کاربردی‌اش مطالبی ارائه می‌شود که خیلی دور از واقعیت و نظری است» (کد: ف.ش).

با جمع‌بندی کلی از نتایج حاصل از پژوهش، می‌توان گفت که عوامل مختلفی در وقوع پدیده تغییر رشته دانشجویان و تصمیم‌گیری آنها برای ورود به گرایش‌های مختلف علوم تربیتی وجود دارد. در پژوهش حاضر، این عوامل در سه دسته کلی یعنی عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به خود فرد و خصوصیات رشته‌ها (رشته مبدأ و رشته مقصد) قرار گرفت. لازم به ذکر است که تنها اکتفا کردن به چند دلیل غیر موجه همانند مشکل پنداشتن رشته قبلی و یا سهل پنداشتن رشته علوم تربیتی نمی‌تواند مجوزی قابل اتکا برای ورود به رشته علوم تربیتی باشد؛ چراکه موفقیت و پیشرفت در این رشته نیز شرایط خاص خود را دارد. بنابراین لازم است دانشجویان پیش از تصمیم برای ورود به این رشته، اطلاعات دقیق، ضروری و کافی را از منابع مختلف و معتبر کسب کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پدیده تغییر رشته برخی از دانشجویان و ورود آنها به گرایش‌های مختلف رشته علوم تربیتی بررسی شده است. اهداف پژوهش در قالب سه پرسش مطرح شد که به علل رها کردن رشته قبلی و ورود آنها به رشته علوم تربیتی، منابع کسب اطلاعات دانشجویان برای تصمیم به ورود به رشته علوم تربیتی و ارزیابی آنها از وضعیت رشته فعلی خود یعنی رشته علوم تربیتی اشاره دارد. رشته علوم تربیتی و گرایش‌های مختلف آن از جمله رشته‌هایی است که هر ساله در دوره تحصیلات تکمیلی، تعداد نسبتاً زیادی از دانشجویانی که رشته کارشناسی آنها رشته‌ای غیر مرتبط با رشته علوم تربیتی بوده است در آن پذیرفته می‌شوند.

برای دست یافتن به هدف‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از روش پدیدارشناسی توصیفی به‌منظور بررسی تجربه زیسته افراد استفاده شد. برای تحلیل یافته‌ها روش چهار مرحله‌ای پاینار مبنای کار قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش در مرحله بازگشت یا پس‌رونده مشخص شد که دانشجویان دلایل مختلفی را برای وقوع پدیده تغییر رشته و ورود خود به رشته علوم تربیتی اعلام کردند. مجموع این دلایل در قالب سه دسته کلی؛ عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به خود فرد و خصوصیات رشته‌ها (رشته مبدأ و رشته مقصد) قرار گرفت که در شکل (۱) نشان داده شده است. این یافته‌ها را می‌توان با یافته‌های پژوهش احمدوند (۱۳۹۲) همسو دانست. همچنین با نتایج برخی دیگر از پژوهش‌های ذکر شده در بخش ادبیات پژوهش (مشهدی تفرش ۱۳۷۲، دیویی به نقل از عبدی، ۱۳۸۶، عابدیان و شاه‌حسینی، ۱۳۹۱، ربانی و ربیعی ۱۳۹۰، عباس‌زاده، برهانی و محسن‌پور، ۱۳۹۰، براهیم، ۲۰۰۸، پورتر و یومیچ، ۲۰۰۶) همخوانی دارد.

مشارکت‌کنندگان یکی از عوامل مهم تغییر مسیر تحصیلی خود را عوامل اقتصادی بیان کرده‌اند که بیانگر آن است با توجه به بافت و زمینه اجتماعی- فرهنگی آنها، اولویت دادن به مسائل اقتصادی، نقش و تأثیر مهمی در تصمیم افراد برای تحصیل در یک رشته دارد. به‌ویژه زمانی که فرد بخواهد رشته تحصیلی خود را تغییر دهد. در واقع فرد با اقدام به تغییر مسیر تحصیلی، نوعی جهت‌گیری حرفه‌ای را نسبت به آینده خود اتخاذ کرده است. بنابراین می‌توان گفت که فرد نوعی انتظار و هدف حرفه‌ای و اقتصادی را در ذهن داشته و در پی دستیابی به آن، یک اقدام مؤثر را تغییر مسیر تحصیلی دانسته است. عامل مهم دیگر، ویژگی‌های خود افراد است. تصمیم افراد در خلأ صورت نمی‌گیرد و علائق، نگرش‌ها، سطح درک و فهم افراد و ... در تصمیم‌گیری آنها برای تغییر و یا ادامه ندادن رشته قبلی، عاملی اساسی و اثرگذار تلقی می‌شود. زیرا این عوامل در موفقیت و فهم فرد از رشته تحصیلی که انتخاب کرده است، نقش چشمگیری دارند. درنهایت، عامل دیگر خصوصیات رشته‌های مبدأ و مقصد است که بر تصمیم دانشجویان اثرگذار بوده است. هر رشته تحصیلی با توجه به ماهیت و کارکرد آن از ویژگی‌هایی برخوردار است که شناخت، پذیرش و فهم آنها در رسیدن فرد به مراتب بالاتر درک در این رشته لازم و ضروری است. بر همین اساس، کسب شناخت و آگاهی اولیه خصوصیات رشته‌ها و گرایش‌های آنها، قبل از گام نهادن به قلمرو این رشته‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. این ویژگی‌ها را می‌توان از چند جنبه نگاه کرد: ویژگی‌های ماهیتی رشته، ویژگی‌های

اجتماعی رشته، ویژگی‌های تحصیلی رشته؛ رشته‌های تربیتی بر اساس این ویژگی‌ها هر ساله دانشجویایی را از سایر رشته‌ها جذب می‌کنند. نکته قابل توجه و تأمل در این خصوص این است که اگرچه ویژگی‌های رشته‌های تربیتی را می‌توان مثبت ارزیابی کرد اما گاهی بنا بر درک و برداشت نادرست از همین ویژگی‌ها (همچنان که از تصور و دید برخی از مشارکت‌کنندگان می‌توان برداشت کرد)، نوعی دید سبک‌انگارانه و سطحی به رشته‌های تربیتی در ذهن افراد سایر رشته‌ها و حتی دانشجویهای مشغول به تحصیل در خود رشته‌های تربیتی، شکل می‌گیرد و تصور می‌شود که تحصیل در این رشته‌ها نیاز به تلاش و کوشش علمی ندارد و به راحتی می‌توان فارغ‌التحصیل شد. در حالی که، برخلاف این تصورات نادرست، برای تحصیل در رشته‌های تربیتی و رسیدن به درک و فهم صحیح از آنها، همسنگ خیلی از رشته‌های دیگر و یا حتی بیشتر از آنها، به مطالعه و پژوهش علمی نیاز است.

در ارتباط با یافته‌های پژوهش برای پرسش دوم پژوهش مشخص شد که دانشجویان از منابع مختلف برای کسب اطلاعات لازم از رشته تحصیلی که قصد ورود به آن را در دوره کارشناسی ارشد داشته‌اند، بهره گرفته‌اند. بهره‌گیری از منابع مختلف از این لحاظ که موجب تصمیم‌گیری درست و منطقی و ممانعت از گام نهادن کورکورانه و بدون آگاهی در یک مسیر می‌شود، نقش مهمی را ایفا می‌کند. زیرا باعث می‌شود فرد از جنبه‌ها و دیدگاه‌های مختلف به موضوع و هدف مورد نظر خود نگاه کند و بیندیشد. در پاسخ به پرسش سوم پژوهش مبنی بر ارزیابی مشارکت‌کنندگان از رشته فعلی خود نیز مشخص شد که برخی از آنها احساس رضایت کرده و در مقابل برخی دیگر چندان ابراز رضایت نکرده بودند. این رضایت یا عدم رضایت دانشجویان را شاید بتوان با چند دلیل توجیه کرد. اول اینکه ممکن است به نحوه و میزان کسب اطلاعات در مورد رشته فعلی آنها مرتبط باشد. به عبارت دیگر کسانی که احساس رضایت بیشتری کردند احتمالاً پیش از انتخاب رشته فعلی، اطلاعات جامع‌تری در مورد آن داشتند. دلیل دیگر را می‌توان به آموزش‌ها در رشته فعلی مرتبط دانست. به تعبیر دیگر ممکن است آموزش‌ها در برخی رشته‌ها آن‌طور که باید باشد نبوده و در نتیجه نتوانسته رضایت خاطر دانشجویان را برآورده سازد، همچنان که در گفته‌های برخی از مشارکت‌کنندگان به این امر اشاره شده بود.

به هر روی، مسئله انتخاب و تصمیم‌گیری در آموزش عالی از جمله فرایندها و تصمیم‌های بسیار مهم و پیچیده برای افراد است (چالوپوا^۱، ۲۰۱۲؛ صابر، احمد، اشرف و احمد، ۲۰۱۳). بر همین اساس پدیده تغییر رشته نیز به‌عنوان تصمیم‌گیری مهمی برای انتخاب یک رشته دیگر که در واقع مسیر متفاوتی نسبت به مسیر قبلی است، نیازمند دلایل روشن و منطقی و نیز کسب اطلاعات معتبر و کافی برای تصمیم‌گیری است. جستجوی آگاهانه اطلاعات در مورد رشته‌های دانشگاهی پیش از تغییر رشته فعلی و انتخاب رشته دیگر می‌تواند در رضایت از تحصیل و موفقیت دانشجویان تأثیر بگذارد (کراولی^۲ به نقل از عبدی، ۱۳۸۶).

هوسلر و گالاگر^۳ (۱۹۸۷) در ارتباط با مسئله انتخاب رشته توسط دانشجویان، الگویی را ارائه داده و در آن گام‌های مناسبی را که فرد باید برای انتخاب رشته بردارد، مشخص کرده‌اند. بر اساس این الگو می‌توان به افرادی که قصد دارند رشته خود را تغییر داده و وارد رشته دیگری از جمله رشته علوم تربیتی شوند، یاری رساند. زیرا در تغییر رشته نیز افراد به انتخاب و تصمیم‌گیری مهمی اقدام می‌کنند. مراحل الگوی مذکور بدین شرح است:

پیش‌آمدگی ← ملاحظه و بررسی ویژگی‌های رشته‌ها ← انتخاب
همان‌طور که ملاحظه می‌شود اولین مرحله، مرحله پیش‌آمدگی است. در این مرحله فرد تحت تأثیر عوامل مختلف، تمایلات و انگیزه‌های اولیه خود برای ادامه تحصیل و ورود به یک رشته دیگر را بررسی می‌کند که آیا رشته خود را تغییر دهد و وارد رشته دیگری شود یا خیر؟ در مرحله دوم، یعنی مرحله ملاحظه و بررسی ویژگی‌های رشته‌ها که مهم‌ترین مرحله نیز هست، فرد به جستجو و جمع‌آوری آگاهانه اطلاعات درباره رشته‌های مختلف یا رشته مورد نظر خود که بر اساس تصمیم اولیه خود قصد ورود به آن را دارد، اقدام می‌کند. در نهایت، در مرحله سوم یعنی مرحله انتخاب، فرد با توجه به مرحله‌های پیشین و اطلاعات گردآوری شده، انتخاب می‌کند (عبدی، ۱۳۸۶؛ سالیس بری، یومیچ، پوسن و پاسکارلا^۴، ۲۰۰۹؛ تاتار و اکتای^۵، ۲۰۰۶).

1. Chalupova

2. Crowley

3. Hossler & Gallagher

4. Salisbury, Umbach, Paulsen & Pascarella

5. Tatar & Oktay

الگویی که بررسی شد الگویی است که به تصمیم‌گیری منطقی و آگاهانه افرادی که پدیده تغییر رشته را تجربه می‌کنند، به‌طور مؤثری یاری می‌رساند تا از گام نهادن و ورود خودسرانه به مسیری نادرست که ممکن است برای آنها پیامدی جز پشیمانی و غافلگیر شدن نداشته باشد، پیشگیری کرده و در مقابل، موجبات رضایت آنها را از تصمیم و انتخاب خود فراهم کند. این در حالی است که بر اساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر، همه اطلاع‌رسان‌ها به مرحله‌های اول و سوم توجه داشته‌اند و تنها عده کمی از آنها به مرحله دوم نیز توجه کرده‌اند. در پایان بر اساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- افرادی که قصد تغییر رشته تحصیلی و ورود به رشته‌هایی از جمله رشته علوم تربیتی را دارند، رشته‌ای را انتخاب کنند که با علایق و توانایی‌های آنها مرتبط باشد. همچنین پیش از تصمیم‌گیری قطعی برای انتخاب رشته از منابع مختلف و معتبر برای گردآوری اطلاعات در مورد رشته مورد نظرشان بهره بگیرند.

- متولیان نظام آموزش و سنجش دانشگاهی پس از دایر کردن یک رشته تحصیلی، شرایط و امکانات لازم برای اجرای اثربخش آن را فراهم سازند. همچنین با مطالعه و بررسی نیازهای تحصیلی دانشجویان و کیفیت آموزش‌های ارائه شده، به شناسایی و رفع مشکلات و کمبودها اقدام کنند.

- با توجه به اینکه برخی از مشارکت‌کنندگان از انتخاب خود ابراز رضایت نکرده بودند که نشان‌دهنده اطلاعات ناکافی آنها از رشته است؛ بنابراین، در دفترچه‌های انتخاب رشته تحصیلی اطلاعات لازم و جامعی در ارتباط با رشته‌های مختلف در اختیار داوطلبان قرار گیرد.

- نکته مهم دیگر، با توجه به این امر که برخی از مشارکت‌کنندگان اعلام کرده بودند صرفاً به خاطر گرفتن مدرک و آسان بودن رشته علوم تربیتی وارد این رشته شده‌اند و این نمی‌تواند توجیه مناسبی برای ورود به یک رشته تربیتی باشد، در نتیجه لازم است متولیان و استادان رشته‌های تربیتی شرایط و ضوابط خاصی را برای ورود افراد از رشته‌های دیگر به این رشته‌ها در نظر بگیرند.

منابع

- بیگدلی، مژگان؛ کرامتی، محمدرضا و بازرگان، عباس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۶۵، ۱۱۱ - ۱۳۵.
- حسین‌پور، مریم؛ حسن‌زاده، رمضان و مداح، محمدتقی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی. *رشد مشاور مدرسه*، ۵(۴)، ۴-۱۲.
- ربانی، رسول و ربیعی، کامران (۱۳۹۰). ارزیابی انتخاب رشته و تأثیر آن بر رضایت تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۷ (۲)، ۹۹ - ۱۲۰.
- سرمدی، غلامعلی (۱۳۷۵). عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی. *تربیت*، ۱۱(۹)، ۱۱-۱۴.
- صفایی موحد، سعید؛ عطاران، محمد و تاجیک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۹۰). واکاوی هنجارهای پنهان (برنامه درسی پنهان) مؤثر بر انتخاب استاد راهنما: یک مطالعه پدیدارشناختی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱ (۱)، ۹ - ۳۷.
- عابدیان، کبری و شاه‌حسینی، زهره (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر انگیزه دانشجویان پرستاری از انتخاب رشته تحصیلی خود (یک مطالعه مقطعی). *فصلنامه سلامت خانواده*، ۱ (۳)، ۳ - ۲۶.
- عباس‌زاده، عباس؛ برهانی، فریبا و محسن‌پور، محدثه (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته در دانشجویان پرستاری تازه‌وارد دانشگاه علوم پزشکی کرمان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۱ (۶)، ۶۰۰ - ۶۰۸.
- عبدی، بهشته (۱۳۸۶). بررسی میزان کسب اطلاع از رشته‌های دانشگاهی در میان داوطلبان مجاز به انتخاب رشته در کنکور سراسری. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۳ (۲)، ۱۳۱ - ۱۵۰.
- عنبری، زهره؛ جمیلیان، حمیدرضا؛ رفیعی، محمد؛ قمی، مهین و مسلمی، زهرا (۱۳۹۲). رابطه رضایت از رشته تحصیلی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳ (۶)، ۴۸۹ - ۴۹۷.
- مشهدی تفرشی، شکوه (۱۳۷۲). *بررسی عوامل مرتبط با انتخاب رشته تحصیلی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- مصطفوی، ابوالفضل؛ رمضانلو، پریا و عسگری، نادیا (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته داروسازی و میزان تغییر در انگیزه دانشجویان این رشته در طول دوره تحصیل. *توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۵ (۹)، ۳۳ - ۴۱.

- Anderson, G. & Arsenault, N. (2005). *Fundamentals of Educational Research*. 2nd edition, The Flamer press, Taylor & Francis e-Library.
- Anelli, M. & Peri, G. (2013). Gender of Siblings and Choice of College Major. *CESifo Economic Studies*, 61 (1), 53-71.
- Brahim, B. (2008). Field of Study Choice by Community College Students in Canada. *Economics of Education Review*, 27(1), 79-93.
- Chalupova, M. (2012). Strategy Of The Field Of Study Choice—Research Among Male Students/Future Graduates In The Vysocina Region – Focus On Nursing. *Management, Knowledge and Learning international conference*. Zadar, Croatia.
- Given, L. M. (2008). *The Sage encyclopedia of Qualitative Research Methods*. SAGE Publications.
- Howe, M. A. & Burnaby, P. A. (2010). Influences on Students' Choice of College Major. *Journal of Education for Business*, 80 (5), 275-282.
- Johnston, L. G. & Sabin, K. (2010). Sampling hard-to-reach populations with respondent driven sampling. *Methodological Innovations Online*, 5 (2), 38-48.
- Keshishian, F.; Brocavich, J. M.; Boone, R. T. & Pal, S. (2010). Motivating Factors Influencing College Students' Choice of Academic Major. *American Journal of Pharmaceutical Education*, 74 (3), 1-7.
- Malgwia, C. A.; Howea, M. A. & Burnabya, P. A. (2005). Influences on Students' Choice of College Major. *Journal of Education for Business*, 80 (5), 275-282.
- Odia, J. O. & Ogiedu, K. O. (2013). Factors Affecting the Study of Accounting in Nigerian Universities. *Journal of Educational and Social Research MC SER Publishing, Rome-Italy*, 3 (3), 89- 96.
- Porter, S. R. & Umbach, P. D. (2006). College Major Choice: An Analysis of Person–Environment Fit. *Research in Higher Education*, 47 (4), 429- 449.
- Sabir, R. I.; Ahmad, W.; Ashraf, R. U. & Ahmad, N. (2013). Factors Affecting University and Course Choice: A Comparison of Undergraduate Engineering and Business Students in Central Punjab, Pakistan. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3 (10), 298-305.
- Salisbury, M. H.; Umbach, P. D.; Paulsen, M. B. & Pascarella, E. T. (2009). Going Global: Understanding the Choice Process of the Intent to Study Abroad. *Res High Educ*, 50 (2), 119–143.
- Tatar, E. & Oktay, M. (2006). Search, choice and persistence for higher education: a case study in turkey. *Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 2 (2), 115- 129.

